

تقدیم به استاد فرهاد توحیدی که الفبای
فیلمنامه نویسی را به من آموخت.
ابراهیم راهنشین - مترجم

رهنمودهای ماندگار نویسنده‌گی
از استاد نمایش نامه نویسی

شکسته پدرب

برای فیلم نامه نویسمان

جی. ام. اونسین
مترجم: ابراهیم راهنشین

- ۹..... مقدمه مترجم
- ۱۱..... پیش‌گفتار / فیلم‌نامه‌نویسان می‌توانند از شکسپیر چه بیاموزند؟

بخش اول / نمایش نامه‌هایی بی‌نظیر

- ۱۷..... ۱. هملت
- «با خود درستکار باش»
- خلق شخصیتی پیچیده از لحاظ روان‌شناسی
- ۲۷..... ۲. رومئو و ژولیت
- «جدایی چنان تلخ و شیرین است»
- نقاط اوج بایستی حتمی، اما پیش‌بینی نشده باشد.
- ۳۷..... ۳. مکبث
- «محو شوای لکه لعنتی»
- چرا ما شخصیت‌هایی را که دل‌مشغولی دارند، دوست داریم؟
- ۴۷..... ۴. اتللو
- «این جملات همچون تیغی قلب زخمی مرا به درد می‌آورد»
- قدرت فجایع شخصی
- ۵۵..... ۵. لیرشاه
- «از خویشاوند نزدیک‌تر ولی از قلب دورتر»
- آیا می‌خواهید درام کلاسیک خلق کنید؟ پس خانواده را نابود کنید.
- ۶۵..... ۶. رؤیای شب نیمه تابستان
- «بر حسب اتفاق»
- یک کمدی خوب حداقل به اتفاق و هم‌زمانی یا تغییر ناگهانی طنزآمیزی نیاز دارد.

۷. رام کردن زن سرکش ۷۳
 «مسیر عشق حقیقی هرگز بی دردسر نبوده است»
 به عبارت دیگر، هیچ کس نمی‌خواهد زوج خوش و خرمی را تماشا کند.
۸. هنری پنجم ۸۱
 «به بعضی از آدم‌ها بزرگی تحمیل می‌شود»
 قهرمانانی که نقطه ضعف دارند تنها قهرمانانی هستند که ارزش دارد به آن‌ها اهمیت داده شود.
۹. ژولیوس سزار ۹۱
 «داستان صادقانه به بهترین کامیابی می‌رسد»
 تاریخ چگونه اثبات می‌کند که دربارهٔ خلاقیت مبالغه شده است؟
۱۰. ریچارد سوم ۹۷
 «کنش، فصاحت است»
 به عبارت دیگر، نشانم پده، بهم نگو
۱۱. حکایت زمستانی ۱۰۳
 «برخی با گناه ارتقا می‌یابند و بعضی با پاکدامنی سقوط می‌کنند»
 چرا قوس شخصیت مهم است؟
۱۲. آنتونی و کلئوپاترا ۱۱۱
 «سرتاسر جهان صحنه نمایش است»
 صحنه فقط پس زمینه نیست
۱۳. هیاهوی بسیار برای هیچ ۱۱۹
 «ایجاز روح دانایی است.»
 چگونه کمدی بنویسیم که واقعاً بامزه باشد؟

۱۴. تاجر ونیزی ۱۲۷
 «اگر ما را زخمی کنی، آیا خون‌ریزی نمی‌کنیم؟»
 هر قدر شخصیت‌هایتان بیشتر رنج بکشند، بهتر است.

بخش دوم: فیلم‌های بزرگ

۱۵. چگونه شکسپیر قهرمان‌های فراموش‌نشده‌ی خلق می‌کند؟ ۱۳۹
 هملت و هنری پنجم و اتللو
۱۶. مهندسی معکوس اثر شخصیت‌های منفی شکسپیر ۱۴۷
 یاگو و مکبث و ریچارد سوم
۱۷. رمزگشایی از بزرگ‌ترین داستان عاشقانه‌ای که تاکنون بازگو شده است. ۱۵۹
 رومئو و ژولیت
۱۸. نبوغ محض ۱۶۷
 منابع الهام بخش شکسپیر
۱۹. چرا داستان‌های شکسپیر ۱۷۵
 حتی با گذشت زمان ارزش خود را از دست نداده‌اند؟
۲۰. بزرگ‌ترین آموزهٔ شکسپیر ۱۸۳
 قواعد را بشکنید
- چکیده‌ای از نمایش‌نامه‌های بی‌نظیر ۱۸۵

فصل اول

هملت

«با خود درستکار باش»

خلق شخصیتی پیچیده از لحاظ روان‌شناسی

در میان تمامی نمایش‌نامه‌های شکسپیر، هملت بیشترین اجرا و نقل قول و ارجاع را دارد. هر ساله هزاران اجرای تئاتری از آن روی صحنه می‌رود و از سال ۱۹۰۰، بیش از پنجاه نوع اقتباس سینمایی از این نمایش‌نامه تولید شده است. هملت بی‌شک پایه و اساس فرهنگ و ادبیات غرب است.

چرا بازیگران، کارگردانان، منتقدان و خوانندگان مجذوب این اثر ادبی می‌شوند؟ چرا نمایش‌نامه هملت این قدر مهم است؟

ابتکار اصلی و بنیادی این نمایش‌نامه خود شخصیت هملت است. او باهوش، درون‌نگر، خشمگین، افسرده، سرخوش، دلتنگ، بذله‌گو و احتمالاً دیوانه است. شخصیت او همانند منشور، رنگین‌کمانی از احساسات را به معرض نمایش می‌گذارد. مخاطبان به گونه‌ای درگیر می‌شوند که انگار به حل معما مشغول هستند.

چگونه شکسپیر چنین شخصیتی پیچیده خلق کرده است؟ ما چگونه می توانیم چنین پیچیدگی عجیبی را در شخصیت هایی که خلق می کنیم، ایجاد کنیم؟

کشمکش درونی ایجاد کنید

راه حل ایجاد پیچیدگی در شخصیت های تان این است که تصمیم مهمی را بر عهده آن ها بگذارید و سپس بحث هایی موافق و مخالف با آن را با قدرتی یکسان ایجاد کنید. تماشا کردن شخصیتی که با کشمکش درونی دست به گریبان است، همدلی ایجاد می کند. همچنین شخصیتی پیچیده از لحاظ روان شناسی می آفریند؛ به نحوی که مخاطبان، او را در جایگاه انسانی منحصر به فرد تصدیق می کنند.

برای هملت درگیری از همان صفحات آغازین فیلم نامه شروع می شود. هملت، شاهزاده دانمارک، با روح پدرش، پادشاه پیشین ملاقات می کند. روح کشته شدن خود به دست کلادیوس،^۱ پادشاه کنونی را برای هملت فاش می کند و از او می خواهد تا به قصد تلافی کلادیوس را بکشد.

اگر هملت انتقام جویی معمولی بود، این کار را انجام می داد. اما هملت اندیشمند و متفکر است. از کجا معلوم که روح دروغ نمی گوید؟ از کجا معلوم که روح، شیطانی نباشد در لباس مبدل؟ از کجا معلوم که ذهن خود هملت او را به بازی نگرفته باشد؟ چه سرنوشتی در انتظار روح هملت خواهد بود اگر دست او به خون بی گناهی آغشته شود؟ هملت کاملاً دستخوش شک و تردید می شود. او در لحظاتی که مملو از اندوه و تشویش است، سؤال معروف خود را بر زبان جاری می کند:

بودن یا نبودن، مسئله این است

آیا بزرگواری آدمی بیشتر در آن است که

زخم فلاخن و تیر بختِ ستم پیشه را تاب آورد

یا آنکه در برابر دریایی فتنه و آشوب، سلاح برگیرد
و با ایستادگی خویش بدان همه پایان دهد؟ (پرده سوم، صحنه اول)

در این قطعه ما ذات حقیقی معضل هملت را کشف می کنیم. موضوع فقط این نیست که هملت باید کلادیوس را بکشد یا نه، موضوع اصلی درباره جوهره مرگ و زندگی است. چرا اتفاقات بدی برای ما روی می دهد؟ آیا مردن بهتر از رنج کشیدن نیست؟ بعد از مرگ چه در انتظار ماست؟ این ها سؤالاتی واقعی است. سؤالاتی که بشر از سپیده دم حیات با آن ها دست به گریبان بوده است. فرمان روح، هملت را دچار سرگشتگی اخلاقی می کند و از این لحظه به بعد، تاروپود هملت با این کشمکش دردناک درونی از هم گسیخته می شود. هملت باید یا نباید، کلادیوس را به قتل برساند؟

مخاطبان دوست دارند شخصیت هایی را به نظاره بنشینند که با کشمکشی درونی خُرد می شوند. مثلاً شخصیت جیم استارک^۱ در فیلم شورش بی دلیل، محصول ۱۹۵۵ را در نظر بگیرید. ما می بینیم که جیم با بازی جیمز دین هم با شیاطین درونی خود و هم با جهان خطرناک و غیرقابل اعتمادی که او را در بر گرفته، می جنگد. هنگامی که جیم تلاش می کند با باز، آنچه محل قلدر و دارودسته اش دست و پنجه نرم کند، دست به دامان پدرش می شود تا به او کمک کند. جیم بارها و بارها از پدرش می پرسد: «وقتی مجبوری مرد باشی، چه کاری از دستت ساخته س؟» این سؤال در معروف ترین صحنه فیلم اهمیت اساسی می یابد؛ یعنی هنگامی که باز جیم را مجبور می کند تا در بازی «بُردل» که به مسابقه شتاب اتومبیل رانی مربوط است، شرکت کند. جیم می داند که با بازی خطرناکی روبه روست؛ اما اگر از انجام این بازی امتناع کند، چگونه می تواند مردانگی خود را اثبات کند؟ هنگامی که کُتِ باز، به طور اتفاقی، به دستگیره در اتومبیلش گیر می کند و به این ترتیب راهی پرتگاه می شود و با انفجار خود رو جان

1. Jim Stark

2. Buzz

1. Claudius